

پرندہ های خوانندہ نور گل



نویسنده: سینتانو سیداوون

مترجم: فرید احمد کریمی



خانه نور گل نزدیک جنگل است. در اطراف پرندگان هستند که آوازهای زیبا می خوانند.
پرندگان به شکل «کو-کو، کو-اووو» آواز می خوانند.



نور گل می نشیند و خوش و خوشحال به آواز پرندگان گوش می دهد.



پدرش هر روز یک پرنده را برای شکار پرندگان دیگر به جنگل می برد.



پرنده ها را یکی یکی می گیرد و همه را به خانه می آورد.



خانه نور گل پر از پرندگان است. اما بعد از یک مدت به جای آواز خواندن
آه غمگین می کشند.



یک روز، نور گل از خواب بیدار می شود و می بیند که هیچ یک از پرندگان از آواز نمی خوانند.



او کوشش می کند چاره را پیدا کند تا آنها را خوشحال کند و دوباره بخواند. او به آنها برنج می دهد، اما آنها هیچ کدام آن را نمی خورند.



از آنها می پرسد. "شما را چی شده است، پرندگان من؟" "میخواهید به جنگل برگردید؟"



نور گل تصمیم می گیرد با پدرش صحبت کند.



نور گل و پدرش پرندگان را به جنگل می برند و آزاد می کنند.



همین که پرندگان دور می شوند، با لبخند به نور گل نگاه می کنند.



صبح روز بعد، نور گل می شنود که همه پرندگان خوش و خوشحال روی درخت در کنار خانه اش آواز می خوانند. «کو-اوو! کوو-ووو!»



سوالات رهنمودی

۱. نور گل در کجا زندگی می کند؟ در اطراف او چه چیزها دیده میشود؟
 ۲. پدر نور گل چه کار می کند؟
 ۳. بعد از یک مدت، برای پرندگان چی اتفاق افتاد؟ آیا آنها با خوشحالی به آواز خواندن ادامه دادند؟
 ۴. برای پرندگان دوباره آواز بخوانند، نور گل تصمیم چه کار را گرفت؟ آیا او موفق می شود؟
- اگر به جای نور گل بودید، آیا همین کار را می کردید؟